

هاجر و فرزندش اسماعیل را در مکه و جوار کعبه ساکن کرد تا زمینه بازسازی کعبه و آباد شدن مکه فراهم شود. (ابراهیم/۱۴، ۳۷) عالمان بسیاری سال‌ها در مکه اقامت گزیدند و به «جارالله» مشهور شدند. (← مجاورت) بر پایه دیدگاه مشهور فقیهان امامی^۶، مجاورت (اقامت) در مکه مکروه است.^۷ پشتوانه آنان، چندین حدیث مانند روایت محمد بن مسلم از امام باقر^۸ و حدیث حلبی^۹، ابوالصباح کنانی^{۱۰}، ابوبصیر و داود رقعی^{۱۱} از امام صادق^{۱۲} است که بر اقامت نکردن در مکه و بیرون رفتن از آن، پس از ادای حج تأکید کرده است. آنان به پشتوانه آیه ۲۵ حج/۲۲: «وَمَنْ يُدْرِ فِيهِ بِالْحَدِّ يَظْلَمُ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» هر ستم شخص را در مکه به خود و دیگران مصداق شرک و کفر شمرده‌اند. همچنین برخی روایات از سیره پیامبر گرامی^{۱۳} در بیرون آمدن از مکه پس از ادای مناسک حج حکایت دارند.^{۱۴} گزارش

۶. الدروس، ج ۱، ص ۴۷۱؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۲۷۱؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۶۰.
 ۷. المبسوط، ج ۱، ص ۳۸۵؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۴۴۷؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۷۰.
 ۸. الکافی، ج ۴، ص ۲۳۰؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۴۸.
 ۹. التهذیب، ج ۵، ص ۴۲۰.
 ۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۲۲۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۲.
 ۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۳۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۴.
 ۱۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۴؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۴۶.

اقامت در مکه: مجاورت یا سکونت دائم در مکه

واژه اقامت از ریشه «ق - و - م» به معنای ثابت شدن، ادامه دادن و جای گزیدن است.^۱ مقصود از اقامت در مکه، سکونت گزیدن در آن به عنوان وطن همیشگی است که در بسیاری از منابع فقهی و غیر فقهی، با تعبیر «مجاورت در مکه» آمده است.^۲ مقصود از اقامت، اعم از سکونت موقت و دائم (توطن) است؛^۳ اما در کاربرد فقیهان، اقامت و مجاورت به یک معنا است.^۴ این مقاله تنها به حکم تکلیفی اقامت در مکه می‌پردازد. (برای احکام وضعی ← آفاقی، مقیم)

بر پایه منابع تاریخی و حدیثی، پیشینه اقامت در مکه به گذشته دور می‌رسد. گزارش شده که حضرت آدم^۵ پس از هبوط به زمین، به فرمان خدا کعبه را بنا نهاد و مناسک حج را در مکه و سرزمین منا به جا آورد.^۶ همچنین حضرت ابراهیم^۷ به فرمان خداوند، همسرش

۱. العین، ج ۵، ص ۲۳۲؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۱۶-۲۰۱۷، «قوم».
 ۲. المبسوط، ج ۱، ص ۳۸۵؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۷۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۵.
 ۳. المختصر النافع، ج ۱، ص ۹۸؛ ارشاد الازهران، ج ۱، ص ۳۳۷؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۳۶۳.
 ۴. نک: المعتبر، ج ۲، ص ۷۹۹؛ مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۳۶؛ ج ۷، ص ۲۸۷.
 ۵. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۳۶-۳۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۹؛ تاریخ مکه المشرفة، ص ۲۶-۲۷.

شده که حضرت علی علیه السلام از آن رو که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه مهاجرت کرده بود، هیچ گاه شب را در مکه سپری نمی کرد.^۱

در روایات و منابع فقهی، چندین حکمت برای این کراهت یاد شده است؛ از جمله: پدیدار شدن قساوت قلب به سبب اقامت در مکه^۲، قبیح بیشتر ارتکاب گناه در مکه در مقایسه با مکان‌های دیگر^۳، بیرون شدن اجباری (هجرت) پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه^۴، از میان رفتن حرمت مکه بر اثر حضور مداوم در آن^۵، لزوم تداوم اشتیاق به حضور در مکه، و پرهیز از ملالت بر اثر اقامت در آن.^۶

در برابر، احادیثی گزارش شده که از آن‌ها استصحاب اقامت در مکه فهمیده می‌شود؛ مانند صحیح‌ه علی بن مهزیار از امام کاظم علیه السلام^۷ و احادیثی از امام باقر علیه السلام^۸ و امام صادق علیه السلام^۹ مفاد این احادیث، برتری اقامت در مکه بر اقامت در دیگر شهرها، برابری غذا خوردن در مکه با روزه گرفتن در جای‌های

دیگر^{۱۰} و برابری خوابیدن در مکه با شب زنده‌داری^{۱۱} و جهاد یا شهادت در سرزمین‌های دیگر است. برخی فقیهان امامی در صدد سازگاری این روایات برآمده‌اند تا تعارض ظاهری میان آن‌ها را بزدایند. گروهی حدیث‌های دلالت‌گر بر کراهت اقامت در مکه را درباره کسانی شمرده‌اند که برای خود احتمال گناه و هتک حرمت کعبه را بسیار می‌دانند. اما برای کسانی که درباره خود احتمال گناه و هتک نمی‌دهند، اقامت در مکه را مستحب دانسته‌اند.^{۱۲} شماری دیگر اقامت در مکه را برای تجارت، مکروه و برای عبادت، مستحب شمرده‌اند.^{۱۳} شماری دیگر به پشتوانه احادیث^{۱۴}، کراهت اقامت در مکه را مشروط به توقف یک سال و بیشتر در مکه کرده و بر آنند که اگر اقامت کمتر از یک سال باشد^{۱۵} یا شخص سکونت‌کننده در میان سال از مکه بیرون شود و باز گردد^{۱۶}، اقامتش مکروه نیست. برخی فقیهان کراهت اقامت در مکه را منوط به آن دانسته‌اند که بیش از سه سال باشد و اقامت کمتر از آن را

۱. نک: بخار الانوار، ج ۹۶، ص ۸۲.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۶؛ المقنعه، ص ۴۴۴.

۳. الدروس، ج ۱، ص ۴۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۷۰.

۴. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۴۶.

۵. نک: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۸۰.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۴.

۷. التهذیب، ج ۵، ص ۴۷۶.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۶.

۹. المحاسن، ج ۱، ص ۶۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۶۸.

۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۷.

۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸.

۱۲. الدروس، ج ۱، ص ۴۷۱؛ الرسائل العشر، ص ۲۲۶.

۱۳. الدروس، ج ۱، ص ۴۷۲؛ الرسائل العشر، ص ۲۲۶؛ جواهر

الکلام، ج ۲۰، ص ۷۲-۷۳.

۱۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۰.

۱۵. الجامع للشرائع، ص ۲۳۰؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۲۸۴.

۱۶. مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۳۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۲.

حنفیان^۹ در مقام سازگاری احادیث، به استحباب مجاورت در مکه جز در صورتی که گمان ارتکاب گناه و بی حرمتی به خانه خدا برای انسان بیشتر باشد، باور دارند.

به باور فقیهان امامی^{۱۰} به پشتوانه احادیث^{۱۱}، به جا آوردن طواف مستحب برای مقیم در مکه تا پیش از سه سال برتر و پاداش یافته تر از نماز مستحب است و پس از سه سال، گزاردن نماز مستحب برتر از طواف مستحب است. به باور برخی فقیهان امامی، هر گاه کسی در ماه‌های حج (شوال، ذی قعدة، ذی حجه) عمره مفرده به جا آورد، مستحب است با اقامت در مکه و بدل کردن عمره مفرده به عمره تمتع، حج تمتع به جا آورد.^{۱۲}

برخلاف اقامت در مکه که کراهت آن به طور مطلق یا مشروط مورد اتفاق فقیهان است، فقیهان امامی^{۱۳} و بیشتر فقیهان اهل سنت^{۱۴} به پشتوانه احادیث^{۱۵}، به استحباب مجاورت و

مکروه به شمار نیاورده‌اند.^۱ بر پایه نظری دیگر، اقامت در مکه تنها برای کسانی که از قساوت قلب در امان نیستند، مکروه است و برای دیگران مکروه نیست.^۲

فقیهان اهل سنت درباره حکم تکلیفی اقامت در مکه اختلاف نظر دارند. شماری از آنان به کراهت و برخی به استحباب آن حکم کرده‌اند.^۳ از میان پیشوایان مذاهب اهل سنت، ابوحنیفه و مالک^۴ به کراهت مجاورت باور دارند.^۴ پشتوانه آنان احادیثی است که بر بازگشت از مکه پس از ادای مناسک حج تأکید کرده^۵ و نیز روایاتی که قبح ارتکاب گناه را در مکه چند برابر دیگر شهرها قلمداد کرده است.^۶ به تصریح حدیث‌های یاد شده، اقامت طولانی در مکه سبب انس گرفتن با آن شده، به کاهش احترام به این سرزمین و فزونی گناه می‌انجامد. در برابر، بازگشت از مکه، شوق زیارت دیگر بار خانه خدا را در دل‌ها زنده نگاه می‌دارد.^۷ در برابر، برخی شافعیان^۸ و

۱. مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۳۸۷.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۵۴، «پاورقی».

۳. المجموع، ج ۸، ص ۲۷۸؛ فیض القدر، ج ۱، ص ۵۳۵؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۷۷.

۴. المجموع، ج ۸، ص ۲۷۸؛ فیض القدر، ج ۱، ص ۵۳۵؛ روح المعانی، ج ۱۷، ص ۱۴۰.

۵. المستدرک، ج ۱، ص ۴۷۷؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۵۹.

۶. المصنف، ج ۵، ص ۲۸.

۷. شرح فتح القدر، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مرقاة المفاتیح، ج ۹، ص ۲۰۰.

۸. المجموع، ج ۸، ص ۲۷۸.

۹. البحر الرائق، ج ۲، ص ۵۲۶-۵۲۷؛ الدر المختار، ج ۲، ص ۶۹۰.

۱۰. النهایه، ص ۲۸۶؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۵؛ مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۳۸۷.

۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۱۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۴۷.

۱۲. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۲؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۳۶.

۱۳. المهذب، ج ۱، ص ۲۸۳؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۸؛ مجمع الفائدة، ج ۷، ص ۴۳۱.

۱۴. المغنی، ج ۲، ص ۵۸۷-۵۸۸؛ فتح الباری، ج ۴، ص ۷۹؛ فیض القدر، ج ۳، ص ۳۴۲.

۱۵. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۸، ۱۲۰؛ الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷؛ التهذیب، ج ۶، ص ۱۴.

اقامت در مدینه باور دارند. برخی برتری مجاورت مدینه بر مکه را که در خبرها آمده، ضعیف شمرده و بر فرض صحت، آن را مربوط به پیش از فتح مکه یا هنگام زندگانی پیامبر ﷺ دانسته‌اند.^۱ (← اقامت در مدینه)

◀ منابع

اخبار مکه: الزرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ ارشاد الادهان: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش الحسون، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ الاسماء والصفات: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البحر الرائق: ابونجیم المصری (م. ۹۷۰ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ تاریخ مکه المشرفه: محمد ابن الضیاء (م. ۸۵۴ق.)، به کوشش علاء و ایمن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق؛ تحفة الاحوذی: المبارک فوری (م. ۱۳۵۳ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ تذکره الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ الجامع للشرائع: یحیی بن سعید الحلی (م. ۶۹۰ق.)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ق؛ جواهر الکلام:

النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ حاشیة رد المحتار: ابن عابدین (م. ۱۲۵۲ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدر المختار: الحصفی (م. ۱۰۸۸ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الدروس الشرعیه: الشهد الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ الرسائل العشر: ابن فهد الحلی (م. ۸۴۱ق.)، به کوشش رجایی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۹ق؛ روح المعانی: الألوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ السنن الکبری: البیهقی (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ شرح فتح القدير: السیواسی (م. ۸۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ صحیح مسلم بشرح النووي: النووي (م. ۶۷۶ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق؛ صحیح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ علل الشرايع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ فیض القدير: المناوی (م. ۱۰۳۱ق.)، به کوشش احمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ قواعد الاحکام: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کشف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ کشف اللثام: الفاضل الهندی (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ کفایة الاحکام (کفایة الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، اصفهان، مدرسه صدر مهدوی؛ المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)،

۱. المعجم الكبير، ج ۴، ص ۲۸۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۴۸؛ تحفة الاحوذی، ج ۱۰، ص ۲۹۴.

اقانیم العلی فی احوال ام القری:

رساله‌ای در تاریخ مکه، نوشته مولا احمد

بن حسن یزدی مشهدی

نویسنده این رساله، از عالمان و واعظان یزدی مقیم مشهد بوده که به سال ۱۲۸۸ ق. به حج مشرف شده و به سال ۱۳۱۰ ق. در مشهد در گذشته است. از رساله او اثری در دست نیست. آقا بزرگ تهرانی از این رساله یاد کرده و گویا خود آن را ندیده و نامش را در کتاب دیگر مولا احمد، *نواصیص العجب فی زیارة رجب*، یافته است. به گفته او، این اثر، رساله‌ای فارسی در تاریخ مکه بوده^۱ و از محتوای کتاب جز این اطلاعی در دست نیست. فهرست‌واره متزوی این اثر را در تاریخ و جغرافیا دانسته است.^۲ آقا بزرگ ۱۷ اثر به مولا احمد یزدی نسبت داده^۳ که از آن میان، خود وی تنها *نواصیص العجب* را دیده و تصریح کرده که این اثر در ایران به چاپ رسیده است.^۴ کتابشناسان دیگر نیز به تبع آقا بزرگ از این کتاب یاد کرده‌اند.^۵

۱. نک: الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۰۱؛ فهرستواره منزوی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. فهرستواره منزوی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. الذریعه، ج ۳، ص ۱۱، ۳۹، ۸۰؛ ج ۴، ص ۱۷۷؛ ج ۵، ص ۱۰۹؛ ج ۶، ص ۲۶۳؛ ج ۷، ص ۱۵۳؛ ج ۸، ص ۵۹؛ ج ۱۱، ص ۱۰۱؛ ج ۱۲، ص ۲۲۹؛ ج ۱۴، ص ۲۳۵؛ ج ۲۳، ص ۱۴۸؛ ج ۲۴، ص ۳۵۰؛ ج ۲۶، ص ۲۶۸؛ ج ۲۱، ص ۲۶۶؛ ج ۲۲، ص ۱۲۱.

۴. الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۰۱.

۵. نک: فهرستواره منزوی، ج ۱، ص ۱۷۱؛ معجم ما کتب فی الحج،

به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویه؛ مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبیلی (م. ۹۹۳ ق.)، به کوشش عراقی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ المجموع شرح المهدب: النووی (م. ۶۷۶ ق.)، دار الفكر؛ المحاسن: ابن خالد البرقی (م. ۲۷۴ ق.)، به کوشش حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۲۶ ش؛ المختصر النافع: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ ق.)، تهران، البعثه، ۱۴۱۰ ق؛ مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۴۱۰ ق)؛ مرقاة المفاتیح: ملا علی القاری (م. ۱۰۱۴ ق.)، بیروت، دار الفكر؛ مسالک الافهام الی آیات الاحکام: فاضل الجواد الکاظمی (م. ۱۰۶۵ ق.)، به کوشش شریفزاده، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۵ ش؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ ق.)، به کوشش مرعشی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ المعتبر: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ ش؛ المعجم الکبیر: الطبرانی (م. ۳۶۰ ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنعه: المفید (م. ۴۱۳ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق؛ المهدب: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۴۱۲ ق).

حسین علی پور

